

بروندادشناسی ضعف باور به ربوبیت تشریحی در رویکرد فرهنگی مکتب خلفا

سیدمحمد مهدی موسوی نژاد / دانشجوی دکتری مدرسی تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی « دانشگاه معارف اسلامی قم

mm.mn1363@gmail.com  orcid.org/0000-0002-8644-5582

erfan@maaref.ac.ir

امیر محسن عرفان / استادیار گروه تاریخ دانشگاه معارف اسلامی قم

دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

چکیده

این پژوهش با هدف بازنمود نقش ضعف باور به ربوبیت تشریحی در عرصه فرهنگی سامان یافته است. این مقاله با روش «توصیفی - تحلیلی» و برحسب دستاورد یا نتیجه تحقیق، از نوع «توسعه‌ای - کاربردی» و از لحاظ هدف تحقیق، از نوع «اکتشافی» و به لحاظ نوع داده‌های مورد استفاده، «کیفی» است. همچنین روش این تحقیق به علت استفاده از چهارچوب نظری، «منطقی» است. از این رو در مطالعه، دسته‌بندی گزارش‌ها و تحلیل تاریخ، از راهبرد «قیاسی» استفاده کرده است. بدین روی با رویکرد «تاریخی - کلامی» و «روان‌شناسی اجتماعی»، برای گزینش چهارچوب نظری مناسب است و از تعامل دو علم همگون (کلام و روان‌شناسی) با تحقیقات تاریخی بهره برده است. نتایج حاصل از تحلیل و ترکیب داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که «محویت ارزش‌های مادی در هنجارسازی فرهنگی»، «تداوم رفتارهای اجتماعی جاهلی»، «عدم مرجعیت قرآن و سنت نبوی در کنشگری فرهنگی» و «به رسمیت شناختن ضدفرهنگ‌ها در جامعه» از جمله موارد مهم در بروندادشناسی ضعف باور به ربوبیت تشریحی در رویکرد فرهنگی خلفا به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: باور قلبی، ربوبیت تشریحی، ساختار فرهنگی، عصر خلفا، مکتب خلفا، عقلانیت خودبنیاد.

رسالت دین اسلام رشد متعادل و پیشرفت همه‌جانبه جامعه است. تعالی بشریت دو عرصه درهم تنیده را شامل می‌شود: یک عرصه مربوط به فرهنگ است و عرصه دیگر حوزه تمدن را دربر می‌گیرد. شناخت درست حقایق هستی، جهان‌بینی ارزشی، ایمان اعتقادی به مبدأ الهی و داشتن فلسفه زندگی، بخش فرهنگ تمدن اسلامی است. برتری در مظاهر مادی و اقتدار در حوزه‌های اقتصادی، صنعتی، سیاسی و دفاعی، شاخصه‌های تمدن اسلامی را شکل می‌دهند. وزن اصلی در این میان، به حوزه فرهنگ تعلق دارد و عنصر ذاتی یک جامعه مطلوب، پیشرفته و پویانده مسیر سعادت، به‌شمار می‌رود. هرچند در این نگاه، بُعد سخت‌افزار پیشرفت و تمدن نیز به هیچ روی مغفول نیست.

توحیدباوری هسته مرکزی فرهنگ اسلامی است و توحید در ربوبیت‌باوری، نقشی اساسی و بنیادین در کنشگری فرهنگی دارد، به‌ویژه میزان باور به ربوبیت تشریحی الهی، ریشه‌ای‌ترین عامل در بروز رفتارها و سپس شکل‌گیری و نهادینه شدن باورها، عادت‌ها و ارزش‌هاست. از این رو سنجش نقش فراز و فرود این باور در تحولات تاریخی و تمدنی، اجتناب‌ناپذیر است. همچنین از راه‌های پی‌بردن به کارکردهای باورداشت ربوبیت الهی، بررسی آسیب‌شناسانه ضعف باور به این آموزه در سنت جامعه‌ای است که این تفکر در آن پدید آمده است.

قرینه‌ای دال بر ضعف سایر مراتب توحیدباوری در عصر خلفا وجود ندارد. تنها درخصوص باور قلبی به ربوبیت تشریحی الهی و توحید در آن، ظرفیت آسیب‌شناسی - به‌ویژه با مطالعه تاریخی - مهیاست. راهکار بررسی باور فوق، در سنجش ارزش‌هاست که بیان خواهد شد. این مقاله ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی را نقطه ضعف دوران پایانی عصر نبوی و سراسر عصر خلفا در تمسک به باورهای توحیدی دانسته، تأثیر این ضعف را بر شکل‌دهی به ساختار فرهنگی عصر خلفا بررسی می‌کند.

همان‌گونه که اشاره شد، ظرفیت آسیب‌شناسی توحید ربوبی در اواخر عصر نبوی و دوران خلفا تنها برای باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی مهیاست. راهکار بررسی باور مزبور ذیل تبیین چهارچوب نظری تحقیق بیان خواهد شد. این تحقیق با بهره‌گیری از دو دانش همگون کلام و روان‌شناسی با دانش تاریخ^۱، کوشیده است بر اساس یک چهارچوب نظری مبتنی بر این دو دانش، باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی در اواخر عصر نبوی و دوران خلفا را واکاوی کند و سپس به تحقیق برونداد فرهنگی آن در عصر خلفا بپردازد.

کنش‌ها، از جمله کنش‌های تاریخی به‌مثابه رفتارها و رخدادهای هدفمند^۲ متأثر از ساختار فرهنگی جامعه

۱. همگون بودن دو دانش کلام و روان‌شناسی با دانش تاریخ به این معناست که هر یک از مبانی، مفاهیم، گزاره‌ها و نظریه‌های این دو دانش می‌تواند در تحلیل تاریخی مورد استفاده قرار گیرد. دانش فلسفه علم تاریخ به مسئله تعامل علوم همگون با دانش تاریخ می‌پردازد. برای نمونه، (ر.ک: سید ضیاء‌الدین میرمحمدی، اندیشه نوین دینی، ص ۸۸).

۲. احمد عزیزخانی، انسان پژوهی دینی، ص ۲۰۸.

است. میزان تأثیرپذیری به‌گونه‌ای است که می‌توان با مطالعه کنش‌ها، ساختار تأثیرگذار بر آنها را کشف کرد. ساختار فرهنگی جامعه، شامل ارزش‌ها (گرایش‌ها)، عادت‌های اجتماعی و شناخت‌هاست.^۲

سنخ توحیدباوری ریشه‌ای‌ترین و محوری‌ترین عامل در شکل‌دهی به ساختار فرهنگی جامعه است. میزان باور به ربوبیت (هدایت) تشریحی الهی از میان باورهای توحیدی، بیشترین و نزدیک‌ترین تأثیر را دارد.^۳ ربوبیت تشریحی خداوند تنها بر موجود مختاری همچون انسان جاری گشته، هدایت با وضع قوانین (مانند شریعت نبوی) را شامل می‌شود.^۴ تأثیر باور به هدایت تشریحی الهی بر شکل‌گیری ساختار فرهنگی، به باورهای عقلی منحصر نمی‌شود، بلکه فراز و فرود باور قلبی از آن، نقش محوری و بسزایی دارد،^۵ به‌گونه‌ای که این باور قلبی ابتدا ارزش‌ها را در قوه احساس شکل می‌دهد^۶ و سپس عادت‌های اجتماعی و شناخت‌ها (از جمله شناخت به ربوبیت تشریحی الهی) را مبتنی بر خود و ارزش‌ها سازماندهی می‌کند.^۷

غلبه ارزش‌های باطل (شرک‌آلود) و مادی نتیجه و علامت ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی و غلبه ارزش‌های معنوی ثمره و نشانه قوت این باور است.^۸ از این رو با بررسی ارزش‌های جامعه و با کشف جنبه توحیدی یا شرک‌آلود بودن آنها یا غلبه مادی یا معنوی آنها می‌توان به ضعف و قوت این باور قلبی پی‌برد.^۹ عادت‌ها و شناخت‌های ایجادشده در اثر ضعف یا قوت باور مزبور، موجب گسترش عامل خود و ارزش‌های همسنخ آن می‌شوند.

تاکنون تاریخ عصر خلفا با استفاده از چهارچوب نظری کلامی و روان‌شناسی بررسی نشده، وضعیت توحیدباوری آن آسیب‌شناسی نگردیده و تأثیر ضعف این باور بر شکل‌دهی ساختار فرهنگی عصر خلفا سنجیده نشده است.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم زهره محلوجی با عنوان **بازمرجعیت باورها و ارزش‌های جاهلی در سه دهه اول پس از رحلت رسول خدا ﷺ** (دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام) باورها، ارزش‌ها و زمینه

۱. مفهوم «ساختار» از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی است و به مجموعه عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای اجتماعی اطلاق می‌گردد (ر.ک: همان، ص ۲۰۳؛ فاطمه رهنی و احمد صادقی، چهارمین همایش ملی مشاوره و سلامت روان، ص ۳).
۲. ر.ک: اسماعیل چراغی کوبتانی، نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در تحولات جمعیتی، ص ۵۳.
۳. محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ج ۱، ص ۶۴-۷۰؛ ج ۳، ص ۳۵۲-۳۵۴.
۴. محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۸۴.
۵. ر.ک. محمدرضا کاشفی، خداشناسی، ص ۱۲.
۶. سیدمحمدحسین طباطبائی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۲، ص ۱۸۲.
۷. نجیب‌الله نوری، عوامل و ساختار انگیزش رفتار انسان در اندیشه علامه طباطبائی، ص ۱۳ و ۱۸.
۸. محمدتقی مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، ص ۱۳۲-۱۳۴؛ سیدمحمدحسین طباطبائی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۲، ص ۱۸۲.
۹. سید محمد مهدی موسوی‌نژاد و جواد سلیمانی امیری، راهکار سنجش باورهای توحیدی قلبی براساس اندیشه علامه طباطبائی و آیت‌الله مصباح یزدی، ص ۳۷ و ۳۸.

ایجاد آنها را در عصر جاهلی، دوران نبوی و سه دهه اول پس از آن بررسی کرده، اما ارتباط آنها با مبانی توحیدی را نستجیده است.

کتاب **عاشورا پیامد تغییر ارزش‌ها**، تألیف شمس‌الله مریجی روند تغییر ارزش‌ها و عوامل آن را از منظر جامعه‌شناختی در بازه زمانی پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ تا واقعه عاشورا، بیان کرده است.

کتاب **تاریخ تحلیلی اسلام**، نگارش جواد سلیمانی با رویکرد جامعه‌شناختی، فراز و فرود شناخت‌ها و ارزش‌ها را بر رخدادهای تاریخی از عصر جاهلی تا واقعه عاشورا بررسی کرده است.

اما این کتاب و کتاب قبلی از زاویه کلامی و روان‌شناسی به این مسائل نپرداخته‌اند. تا کنون درباره مخالفت‌های متعدد اصحاب از فرامین نبوی، تحقیقات خوبی صورت پذیرفته است؛ از جمله کتاب ارزشمند **النص والاجتهاد**، تألیف علامه شرف‌الدین. اما ریشه اعتقادی و عوامل انگیزشی غیر توحیدی در این مخالفت‌ها سنجیده نشده است. استعانت از آموزه‌های مسلم کلامی می‌تواند تحلیل‌های تاریخی را عمق بخشد. فراز و فرود ربوبیت‌باوری ریشه‌ای‌ترین عامل انگیزشی در بروز رفتارها و شکل‌گیری رخدادهاست. از این‌رو ضرورت استفاده از مفهوم ربوبیت‌باوری برای تحلیل این مخالفت‌ها، اجتناب‌ناپذیر است.

۱. زمینه‌شناسی ضعف باور به ربوبیت تشریحی الهی در عصر خلفا

نیمه دوم عصر نبوی - به‌ویژه از نبرد بدر به بعد - شاهد چندین رخداد است که برخی به فرامین رسول خدا ﷺ بی‌اعتنایی می‌کردند. غلبه ارزش‌های مادی به‌مثابه اصلی‌ترین عامل انگیزشی در میان فاعلان این رخدادهای قابل مشاهده است؛ مثلاً، برخی از خواص اصحاب در آغاز حرکت به سمت سرزمین بدر، از رویارویی با سپاه قریش می‌هراسیدند^۱ و این به سبب ارزشمند دانستن نیرو و عظمت مادی در نظر آنان بود.^۲

همچنین بینشی که برتری را در پیروزی ظاهری یا غلبه مادی می‌دید، عامل اعتراض به صلح حدیبیه می‌شد.^۳ گریز گروهی اصحاب از جنگ در میانه پیکار حنین^۴ نیز به علت فریب آنان در اثر ارزشمندی بهره‌های مادی و کثرت نیروهای انسانی بود.^۵ برخی دیگر از مخالفت‌ها در منابع مرتبط نقل شده است.^۶ در این مقاله، به برخی از آنها بسنده شده است.

۱. انفال: ۵-۶- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۶، ص ۳۲۲.

۲. رک: محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۴۸.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۰۶؛ ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۱۷.

۴. رک: احمدین اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۲.

۵. توبه: ۲۵، رک: سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۹، ص ۲۱۹-۲۲۰.

۶. برای نمونه، رک: محمد شهبازی، بررسی علل و زمینه‌های مخالفت صحابه با رسول اکرم ﷺ در عصر نبوی، ص ۷۴-۱۳۹.

شاید از ظاهر این رخدادها چنین به دست آید که بر اساس روحیه مشورت‌پذیری رسول خدا ﷺ و مشارکت اصحاب در امور سیاسی، نظامی و اجتماعی شکل گرفته‌اند. اما علاوه بر روحیه عصیان از فرامین نبی اکرم ﷺ که در این رخدادها قابل مشاهده است، مطابق چهارچوب نظری که بیان شد، غلبه ارزش‌های مادی به‌منزله عامل این رخدادها از ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی پرده برمی‌دارد.

با دقت در مجموع این رخدادها، به فعالیت مرموز یک جریان منسجم پی خواهیم برد که به دنبال تحمیل اراده خود بر شریعت نبوی بود.^۱ در واقع، این رخدادها به مرور زمان، موجب شکل‌گیری عادت اجتماعی^۲ نسبت به عصیان از فرامین نبوی و انکار قلبی نسبت به حقانیت رسالت نبی خدا ﷺ و اتصال آن به ربوبیت تشریحی الهی می‌شد. این عادت اجتماعی با تیره کردن قلب‌ها، می‌توانست گرایش‌های مادی را که در سنن جاهلی ریشه داشت،^۳ دوباره احیا کند و در سطح جامعه گسترش دهد، به گونه‌ای که مصلحت‌سنجی‌های همراه با غلبه معیار مادی، در بسیاری از این رخدادها قابل مشاهده است.

غلبه معیارهای مادی در این رخدادها، بیانگر ضعف باور قلبی نسبت به جریان ربوبیت الهی در شریعت نبوی است. در نتیجه، قلب‌ها نسبت به هدایت تشریحی الهی ناامید می‌شد و به ضعف باور قلبی درباره آن می‌انجامید.

نکته قابل توجه اینکه نمی‌توان نتیجه گرفت که در جامعه، ضعف شناختی عمومی درباره ربوبیت تشریحی الهی ایجاد می‌شد. هرچند بارقه‌هایی از این شناخت در جنگ احد، میان اصحاب نمایان می‌گشت و بر اساس آن، شکست خود را نشانه عدم حقانیت خویش و رسالت پیامبر ﷺ می‌انگاشت.^۴ این برداشت - در واقع - جریان ربوبیت خدا را در شریعت نبوی مکرم ﷺ انکار می‌کرد.^۵

این اندیشه هرچند در سطح عموم جامعه رواج نداشت، اما گویای ضعف باور قلبی به ربوبیت تشریحی الهی است؛ زیرا از آن ریشه می‌گیرد. همان گونه که اشاره شد، برداشت عدم حقانیت از شکست یا ضعف مادی در جنگ، نشانگر غلبه ارزش‌های مادی است. غلبه ارزش‌های مادی نیز از ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی حکایت می‌کند.

۱. ر.ک: غلامحسین زرگری‌نژاد، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، ص ۴۹۶-۴۹۷.

۲. از ابتدای این رخدادها، یک ایده مبتنی بر انکار ربوبیت تشریحی الهی، در میان عموم شکل می‌گرفت که در آغاز، تنها یک احساس بود، اما به تدریج، در قالب یک عادت اجتماعی ظهور می‌یافت. مهم‌ترین شاهد این حقیقت، سنگینی و سختی ابلاغ رسالت الهی در جریان اعلان عمومی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر بود (ر.ک: عبیدالله بن عبدالله حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵۴ و ۲۵۶؛ یوسف غلامی، پس از غروب، ص ۲۲-۲۳ و ۲۶-۲۸).

۳. ر.ک: صبا ابراهیمی، بررسی چگونگی احیای سنن جاهلی عرب در اسلام با تکیه بر قبیله‌گرایی و عصیبت عربی، ص ۲۲-۲۳.

۴. آل عمران: ۱۴۴ و ۱۵۴-۱۵۵؛ محمدبن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۵۱۷ و ۵۲۲؛ سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۴، ص ۳۸ و ۴۷-۵۰.

۵. ر.ک: محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۹-۳۰؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۲۷.

۲. تأثیر ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی بر ساختار فرهنگی در عصر خلفا

شکل ۱: پرونداد ضعف باور به ربوبیت تشریحی



۲-۱. محوریت ارزش‌های مادی در هنجارسازی فرهنگی

تأثیر محسوس ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی، غلبه ارزش‌های مادی است. نمونه غلبه این ارزش‌ها در قبیله‌گرایی و قوم‌گرایی آشکار می‌گردد. منفعت‌محوری و دنیاطلبی به علت تعارضی که میان منافع و خواست‌های دنیوی وجود دارد، آسیب‌پذیر است و می‌تواند به فروپاشی اجتماع از درون بینجامد.^۱

همان‌گونه که بیان شد، نافرمانی‌های برخی از اصحاب در اواخر عصر نبوی، عامل بروز عادت اجتماعی مبتنی بر سرپیچی از اوامر پیامبر ﷺ و گسترش ارزشمندی ظواهر مادی و خواست‌های نفسانی بود. نتیجه این اتفاق در عصر خلفا و در سقیفه، اختلاف میان دو قبیله اوس با خزرج^۲ و مهاجران با انصار^۳ را به ارمغان آورد.^۴ بیان مسئله حقانیت قریش،^۵ بر اساس تعصبات قبیله‌گرایی و یا رسوخ ارزش مادی بوده است.^۱

۱. رک: اصغر افتخاری، امنیت اجتماعی‌شده رویکردی اسلامی، ص ۲۰۱؛ سیدعلی حسینی خامنه‌ای، سخنرانی در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح.

۲. رک: محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۳، ص ۲۲۱.

۳. رک: محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۶۸؛ عبدالله بن مسلم دینوری، الإمامة و السیاسة، ج ۱، ص ۲۴.

۴. جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۱، ص ۵۱-۵۲؛ شمس‌الله مریچی، عاشورا پیامد تغییر ارزش‌ها، ص ۲۰.

۵. رک: محمدبن عمر واقدی، کتاب الردة، ص ۴۲؛ عبدالله بن مسلم دینوری، الإمامة و السیاسة، ج ۱، ص ۲۶؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۳، ص ۲۲۱.

این مطلب از کلام عمر بن خطاب و عباس بن عبدالمطلب نیز فهمیده می‌شود. ^۲رها کردن پیکر مبارک پیامبر ﷺ توسط قاطبه مسلمانان و دفن غریبانه و شبانه ایشان ^۳ و همچنین تصرف مالی اهل بیت ﷺ ^۴ بیانگر غلبه ارزش‌های مادی است. ^۵

شاهد دیگر برای غلبه ارزش‌های مادی و دنیاگرایی، ارزشمندی تکثر و جماعت در قلوب مسلمانان بود. این ارزش موجب اعمال سلطه ^۶ و نیز دلیل مشروعیت‌بخشی به بیعت ^۷ و مشورت ^۸ در برابر نص الهی می‌شد. ^۹ درخصوص انکار قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی و انکار جریان این ربوبیت در رسالت نبی ﷺ و نفی استمرار آن در ولایت امیرالمؤمنین ﷺ، قراین بسیاری وجود دارد. ^{۱۰} باطن این رخدادها به دستورات و وصیت رسول خدا ﷺ بی‌اعتنا بود و قلباً نفوذ هدایت خداوند در این موارد را منکر می‌شد.

غلبه ارزش‌های مادی در رخدادها نیز قابل مشاهده است. ^{۱۱} چنان‌که بیان شد، غلبه این ارزش‌ها از ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی حکایت می‌کند. همچنین وقتی حاکمیت به دست فرد منتصب الهی و معصوم و شایسته نباشد، جدا دانستن امر هدایت تشریحی مردم از منبع ربوبیت الهی، عادی قلمداد می‌گردد. آنگاه ارزش‌های مادی و شرک‌آلود در جامعه رواج یافته، قلب آدمیان را به نیازهای واهی خود متوجه می‌سازد.

۲-۲. تداوم رفتارهای اجتماعی جاهلی

گفتمان جاهلی با ترویج شرک بر گستره آزادی‌ها و منفعت‌طلبی‌ها افزوده و زمینه «تسلیم» را از بین می‌برد. این وضعیت می‌تواند موجب رشد و تداوم رفتارهای اجتماعی جاهلی گردد.

از مصادیق این رفتارها، رخداد سقیفه و ماجرای غضب حقوق مالی اهل بیت ﷺ ^{۱۲} است. در این موارد، علاوه بر نقش عامل انگیزشی ارزش‌های مادی، عزم خلفا بر کنار زدن جایگاه تشریحی پیامبر ﷺ و جایگزین کردن خویشتن،

۱. همان؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۶ ص ۹؛ جواد سلیمانی، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۲۰۳.

۲. فضل بن شاذان نیشابوری، الايضاح، ص ۸۷؛ عبدالله بن مسلم دینوری، الإمامة و السياسة، ج ۱، ص ۴۳؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۲، ص ۹.

۳. ر.ک: محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۲۲-۲۲۳؛ احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۴.

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۳، ص ۲۰۸.

۵. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۴ و ۲۸۴.

۶. محمد بن محمد بن نعمان مفید، الجمل، ص ۱۱۹؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۲۱۹.

۷. ر.ک: احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۵.

۸. ر.ک: محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۸ ص ۱۶۸.

۹. ر.ک: رسول جعفریان، تاریخ تحول دولت و خلافت، ص ۱۰۰.

۱۰. برای نمونه، ر.ک: ابراهیم بن محمد تقی کوفی، الغارات، ج ۲، ص ۵۶۹-۵۷۰.

۱۱. ر.ک: جواد سلیمانی، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۸۶؛ علی شایو، با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه، ص ۸۴-۸۵ و ۹۷-۹۸.

۱۲. ر.ک: محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۷۹؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۱-۲۱۲ و ۲۲۱؛ سید مرتضی

عسکری، معالم المدرستین، ج ۲، ص ۹۶ و ۱۱۵ و ۱۱۸ و ۱۵۲.

قابل مشاهده است؛ زیرا حق خلافت را برای خویش و حق تصرف اموال اهل بیت علیهم السلام را از اختیارات حاکم می‌شمردند که باید در جهت جلب منافع حکومت خرج شود.^۱

کنار زدن جایگاه تشریحی رسول خدا صلی الله علیه و آله و ارزشمندی فوق‌العاده مادیات، از ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی حکایت می‌کند. همچنین این تصمیم‌ها و رفتارها، منفعت‌طلبی را مشروع جلوه می‌دهد و برای آن ارزشی فراتر از رعایت اوامر و نواهی رسول الله صلی الله علیه و آله تعیین می‌نماید.

این ارزش‌گذاری بر قلب‌ها تأثیر گذارد و باور قلبی به نفوذ و تداوم هدایت الهی در آیین پیامبر صلی الله علیه و آله و وصایت ایشان را بیش از پیش تضعیف نمود. در نتیجه مردم نیز ضرورت استمرار رفتار مطابق فرامین نبوی را شریعت خداوند نشمردند. همین ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی، موجب گسترش ارزش‌های مادی و منفعت‌طلبی‌ها می‌شد. این شرایط زمینه عادت به رفتارهای اجتماعی جاهلی را بر مبنای منافع فراهم می‌ساخت.

نمونه دیگر این رفتارها بی‌عدالتی سیاسی بود. انتخاب فرد ناصالحی همچون معاویه به‌عنوان والی شام،^۲ خلاف سیره عدالت‌محور و سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود.^۳ انکار قلبی نسبت به جریان هدایت الهی در شریعت نبوی، عامل این رخداد بود. همچنین دستگاه خلافت از عصر خلیفه دوم به بعد، غالباً امویان و افراد ناشایست را به فرمانداری و امور نظامی محدوده حاکمیت خود می‌گمارد.^۴ این سیاست با انکار قلبی نسبت به جریان هدایت الهی در شریعت نبوی، فرهنگ جاهلی را ترویج می‌کرد و عامل گسترش رفتارهای اجتماعی جاهلی بود.

نکته دیگر اینکه بی‌عدالتی سیاسی بر مبنای ارزش‌های مادی شکل می‌گیرد؛ یعنی این بی‌عدالتی توسط افرادی که مادیات را ارزش می‌دانند، اتفاق می‌افتد و موقعیت‌های ممتاز سیاسی و مادی را در اختیار کسانی قرار می‌دهد که تشنه نیل به برتری مادی هستند. علاوه بر آن گاهی این اعطای قدرت توسط افراد، با هدف کسب یا تمدید موقعیت مادی برای خویش رقم می‌خورد.^۵ همان‌گونه که بیان شد، غلبه ارزش‌های مادی از ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی به‌مثابه عامل خود پرده برمی‌دارد. همچنین بی‌عدالتی امید قلبی مردم به هدایت تشریحی خداوند را تضعیف می‌نمود؛ یعنی موجب تقویت و گسترش عامل خویش می‌شد.

چنان‌که گفته شد، ضعف باور قلبی به هدایت تشریحی خداوند، هم عامل رفتارهای اجتماعی جاهلی بود و هم

۱. رک: محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۷۹ و ج ۵ ص ۲۰؛ احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۶ ص ۴۹۱؛ سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج ۲، ص ۱۴۸-۱۴۹؛ سیدجعفر شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۱۱۹.

۲. رک: محمود بن عمرو زمشخری، الفائق، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳. رک: احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۲؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۱۰۸.

۴. رک: احمد بن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، ص ۲۶۲؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۶ ص ۲۹۴؛ یوسف غلامی، پس از غروب، ص ۳۰۰-۲۹۷.

۵. مثلاً اعطای امتیاز توسط اهل سقیفه به بنی‌امیه، موجب دفع مخالفت امویان با خلفا می‌شد. (رک: سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۹۰؛ جلیل تاری، عوامل نادیده‌گرفتن غدیر و اجتماع در سقیفه، ص ۲۸-۲۹.)

توسط آنها قوت می‌یافت و می‌توانست به تداوم این رفتارها بینجامد. منابع مرتبط در قالب بدعت‌ها، فراوانی و تداوم رفتارهای اجتماعی جاهلی این عصر را بررسی کرده‌اند.^۱ امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در خطبه‌ای فهرست بسیاری از آنها را ذکر نموده‌اند. گلايه آن حضرت از وضع زمان خود، گواه تداوم عادت اجتماعی بر عمل به بدعت‌ها در بین عموم تا پایان دوران خلافت است.^۲

از دیگر عواملی که بر تداوم این عادت تأثیر می‌گذاشت، سخت‌گیری دستگاه حکومتی بود که بر این امر اصرار فراوان داشت.^۳ اما ریشه عادت اجتماعی در بروز رفتارهای جاهلی را باید در همان ارزش‌های باطل و ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی بیان شده دانست. از این رو صحابی بیدار دل در برابر شکل‌گیری چنین عاداتی ایستادگی می‌کردند و سعی در هشیار کردن جامعه داشتند.^۴

۳-۲. عدم مرجعیت قرآن و سنت نبوی در کنشگری فرهنگی

در شناخت ارزش محور، عمده جهان‌بینی‌های^۵ لازم از قوه احساسی نفس انسان که منبع صدور ارزش‌هاست، دریافت می‌شود. سپس قوه عقل بر اساس ارزش‌ها و با درک مصلحت‌ها و مفسده‌ها، ایدئولوژی^۶ لازم را مطرح می‌سازد. جهان‌بینی‌های این شناخت از ماهیتی ارزشی برخوردار است. شناخت ارزش محور - هرچند با تسامح - «شناخت» نامیده می‌شود، اما به سبب زمینه احساسی و غلبه بار ارزشی آن، ماهیت شناختی و ذهنی ندارد. لیکن در شناخت عقلانیت محور، عمده جهان‌بینی‌های لازم از قوه عقلانی انسان دریافت می‌شود و سپس ایدئولوژی لازم مطرح می‌گردد. این شناخت غلبه ذهنی دارد. بدین‌روی از ماهیت شناختی برخوردار است.

شناخت انحرافی ارزش محور در عصر خلفا، شامل موارد ذیل می‌شود:

۱-۳-۲. اندیشه «لزوم ترک بخشی از فرامین نبوی»

«لزوم ترک بخشی از فرامین نبوی» ابتدا یک گرایش است که به تدریج به یک اندیشه تبدیل می‌گردد. اما منظور از آن، باور به بطلان سنت نبوی نیست؛ بلکه عبارت است از: شناخت حاصل از ارزش‌های باطل که به آن ارزش‌ها رنگ تقدس بخشیده، آنها را «مصلحت» می‌نامد و در مقابل ضرورت عمل به مقتضای نص الهی و فرمان نبوی، قرار می‌دهد. تمام بدعت‌ها در این عصر، قابلیت آن را داشت که به تدریج با گذر از مرحله عادت اجتماعی، در

۱. رک: رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۴۰-۳۴۹.

۲. رک: نهج البلاغه، ص ۸۹-۹۰.

۳. رک: مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲ (کتاب حج)، ب ۲۳، ح ۱۶۴-۱۷۳، ص ۷۳۲-۷۳۴؛ عبدالحسین شرف الدین، اجتهاد در مقابل نص، پاورقی ص ۲۷۹-۲۸۰ و پاورقی ص ۲۸۵-۲۸۶.

۴. عبدالحسین شرف‌الدین، النص و الاجتهاد، ص ۲۰۰.

۵. به درک انسان از حقایق هستی و مصلحت‌ها و مفسده‌ها، «جهان‌بینی» گفته می‌شود.

۶. به بایدها و نبایدهایی که ذهن انسان با درک از حقایق هستی و مصالح و مفاسد صادر می‌کند، «ایدئولوژی» می‌گویند.

عصیان از فرامین نبوی، شناخت همسرخ خود مبنی بر لزوم ترک بخشی از فرامین نبوی را شکل دهد؛ اما مواردی که با تشویق و اجبار خلفا همراه می‌شد، این روند را سرعت می‌بخشید.

واضح است که «لزوم ترک بخشی از فرامین نبوی» اندیشه‌ای یکسونگر^۱ بود و بخشی از حق و دیانت را بر بخشی دیگر ترجیح می‌داد. این مسئله به معنای نفی یا بی‌اعتنایی نسبت به هدایت تشریحی خداوند در فرامین نبوی است. علاوه بر این، شکل‌گیری اندیشه «لزوم ترک بخشی از فرامین نبوی» بر اساس غلبه منفعت‌جویی و ارزش‌های باطل و مادی، از عامل خود (یعنی ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی) پرده برمی‌دارد. خالد بن ولید در سال یازدهم هجری، مالک بن نویره را به قتل رساند و همسر او را در همان روز به ازدواج خود درآورد.^۲ ابوبکر به استناد اینکه خالد اجتهاد کرده و مرتکب خطا شده، وی را معذور دانست و در پست فرماندهی سپاه اسلام باقی داشت.^۳

ابوبکر همچنین در بیان حکم «کَلَالَه»^۴ به رأی خود اکتفا کرد و شریعت رسول الله ﷺ را در نظر نگرفت. وی در این باره تصریح کرد که به اجتهاد خویش عمل می‌کند و از خطای احتمالی این رأی، معذور است.^۵ ماهیت این دو رفتار به بهانه «مصلحت»، سایرین را به ترک بخشی از فرامین نبوی ترغیب می‌کرد.^۶ از این مرحله، روند ایجاد اندیشه «لزوم ترک بخشی از فرامین نبوی» آغاز می‌شد.

خلفا عقد موقت و حج تمتع را تحریم کردند و متخلفان را تهدید و عقاب می‌نمودند.^۷ آنها حکم خویش را در برابر حکم قرآن^۸ و سنت نبوی^۹ قرار داده، خود نیز این تعارض را بیان می‌داشتند.^{۱۰} فقها نیز بر اساس رأی خلفا فتوا می‌دادند.^{۱۱} ماهیت این رخدادها به بهانه «مصلحت»^{۱۲} مستقیماً به ترک بخشی از فرامین نبوی امر می‌کرد.^۱

۱. «یکسونگری» مفهوم مقابل «جام‌نگری» و منظور از آن، توجه به بخشی از دین و لوازم دیانت و به فراموشی سپردن سایر شئون اسلام است.
 ۲. احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۱-۱۳۲.
 ۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۵۸-۳۵۹؛ ابن کثیر، البدایة و النہایة، ج ۶، ص ۳۳۳؛ علاء‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۵، ص ۶۱۹
 ۴. «کَلَالَه» به مُرده‌ای گفته می‌شود که نه پدری داشته است و نه فرزندی. این عنوان، ورثه او را نیز شامل می‌شود (ر.ک. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۷۲۰).
 ۵. عبدالله بن عبدالرحمن دارمی، سنن دارمی، ج ۴، ص ۱۹۴۴.
 ۶. سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج ۲، ص ۶۹.
 ۷. احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ح ۳۱۲۱، ص ۲۲۸؛ ابن حزم، المحلی بالآثار، ج ۵، ص ۹۷؛ احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۷؛ محمد بن عمر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۵، ص ۳۰۸ و ج ۱۰، ص ۴۲.
 ۸. نساء: ۲۴.

۹. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۴۴.
 ۱۰. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۴۳۷؛ مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲ (کتاب حج)، ب ۱۸، ح ۱۴۵، ص ۷۲۳-۷۲۴.
 ۱۱. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۸.
 ۱۲. ر.ک. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۴۲۱ و ۴۲۶؛ احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۳۰. این مصلحت‌ها وقتی در برابر صلاح تمسک به اوامر نبوی قرار می‌گرفت، ماهیتی غیر الهی پیدا می‌کرد. این ماهیت در بسیاری از موارد، ظاهر دنیاگرایانه داشته است. هم ظاهر دنیاگرایانه مصلحت‌ها و هم ضدیت آنها با فرامین نبوی، در ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی ریشه داشتند.

سخت‌گیری خلفا در جدا کردن مردم از سنت پیامبر ﷺ نشان‌دهنده آگاهی مسلمانان مکه و مدینه از مخالفت آنان با حقیقت و سیره نبوی است. از این رو اندیشه «لزوم ترک بخشی از فرامین نبوی» تنها یک شناخت انحرافی ارزش‌محور بود و هنوز قرین بی‌اطلاعی غالب از سنن نبوی نشده و نیز به اندیشه بطلان این سنت‌ها تبدیل نگشته بود. همان‌گونه که بیان شد، ارزش‌محور بودن اندیشه «لزوم ترک بخشی از فرامین نبوی» گواه ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی به‌مثابه عامل خویش است.

۲-۳-۲. اندیشه «لزوم ترک غالب فرامین نبوی»

مجموع بی‌اعتنایی‌ها به بخشی از فرامین نبوی، مسیری را گشود تا به بهانه مصلحت، بی‌توجهی به غالب اندیشه‌های رسول‌الله ﷺ رخ دهد. پس از رحلت نبی اکرم ﷺ غالب صحابه به تدریج، سنت‌های نبوی را به فراموشی سپردند.^۳ این رخداد از زمان خلیفه اول آغاز شد. ابوبکر به بهانه پرهیز از اختلاف در نقل، اصحاب را از بیان احادیث پیامبر ﷺ بازداشت و قرآن را برای شناخت حلال و حرام خداوند کافی دانست.^۴ این سیاست در دوران دو خلیفه بعدی نیز ادامه یافت.^۵

گسترش و امتداد این رفتارها باور به لزوم ترک غالب فرامین نبوی را نهادینه می‌ساخت. این باور شناختی ارزش‌محور است و منظور از آن، اعتقاد به بطلان سیره منقول نبوی نیست، بلکه مراد شناخت حاصل از ارزش‌های باطل است که در اثر اجبار دستگاه خلافت، آن ارزش‌ها را موجه جلوه داده، نام «مصلحت» بر آن می‌نهد. این اندیشه از آن نظر که سنت نبوی را به فراموشی می‌سپارد و به قرآن اکتفا می‌کند، تفکری یکسونگر است.

نتیجه این یکسونگری نفی جریان هدایت تشریحی الهی در سنت نبوی است. همان‌گونه که این یکسونگری از ضعف باور به ربوبیت تشریحی خداوند ریشه می‌گرفت، با نتیجه‌ای که داشت نیز ناامیدی قلبی نسبت به هدایت تشریحی الهی را گسترش می‌داد. ارزش‌محور بودن باور به «لزوم ترک غالب فرامین نبوی» به معنای عقلانیت‌محور نبودن آن است؛ یعنی این باور نیز مانند اندیشه پیشین، در ضعف باور قلبی به ربوبیت تشریحی الهی ریشه داشت، نه ضعف شناخت نسبت به آن.

اندیشه «لزوم ترک غالب فرامین نبوی» از دیار حجاز پا می‌گرفت؛ اما یک آگاهی نسبی از سنت نبوی در

۱. رک: احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ح ۳۱۲۱، ص ۲۲۸؛ ابن عبدالبر، جامع بیان العلم و فضله، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲. رک: عبدالرزاق صنعانی، المصنف، ج ۲، ص ۴۳۳؛ ابن حزم، المحلی بالأثر، ج ۵، ص ۹۷؛ ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۵، ص ۱۴۱؛ عبدالحسین شرف‌الدین، اجتهاد در مقابل نص، پاورقی، ص ۲۸۵-۲۸۶.

۳. رک: ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۲-۹۰.

۴. شمس‌الدین ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۹-۱۱.

۵. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۴۳؛ شمس‌الدین ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۲، علاء‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج

فضای عمومی جامعه اسلامی وجود داشت.^۱ اجبار خلفا در جهت ترک غالب فرامین نبوی،^۲ دلیل شناخت عقلانی از لزوم حفظ فرامین نبوی و تمسک به آنهاست، هرچند مردم به خاطر ترس، انگیزه‌ای برای این امتثال نداشتند. این مسئله گواهی می‌دهد که باور ذهنی نسبت به جریان هدایت تشریحی الهی در سنت نبوی وجود داشته، اما بی‌همتایی در پاسداشت آیین نبوی نشانگر انکار قلبی این باور ذهنی و مقتضای آن است. از این رو علت شکل‌گیری اندیشه «لزوم ترک غالب فرامین نبوی» را باید در ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی جست‌وجو کرد.

۳-۲. ظاهرگرایی و لزوم ترک تفکر در دین

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روحیه غالب صحابه پرهیز و نهی از مجادلات کلامی و معارف عقلی و استدلالی بود.^۳ برای مثال، خلیفه دوم با مباحث مذهبی و حتی با تفسیر قرآن و سؤال از معنای عبارات‌ها و واژه‌های مشکل قرآن، مخالف بود.^۴ اصحاب نیز بر اساس سیاستی که حکومت تبیین می‌نمود، به تفسیر قرآن و بیان مفاهیم عمیق آن توجهی نداشتند، بلکه بیشتر به توضیح ظاهری و لغوی آیات توجه می‌کردند.^۵ آنها در اثر تحریم عقلانیت، در فتاوی خود بر ظواهر آیات تکیه داشتند.^۶

اندیشه «لزوم ترک غالب فرامین نبوی» نیز باور به حکمت الهی در ایجاد رسالت و در نتیجه، عقلانیت را تضعیف می‌کرد؛ زیرا نفی‌کنندگان حکمت الهی شریعت الهی را عقلانی نمی‌پنداشتند. نفی عقلانیت در شریعت الهی نیز موجب انکار لزوم تعقل در شریعت و مقدمه اکتفا به ظاهر متون دین می‌گردید. همچنین کنار گذاشتن احادیث مفسر قرآن، تأثیر زیادی در اتکا به ظاهر آیات داشت.^۷

دو نوع ظاهرگرایی در آن عصر رواج داشت: یکی حجیت ظواهر آیات و روایات؛ و دیگری برتری ظواهر دنیوی در دیدگان و اذهان. اندیشه «لزوم ترک عقلانیت» ارتباط مستقیمی با تفکر «حجیت ظواهر آیات و روایات» داشت و در آن تأثیر می‌گذاشت. ظاهرگرایی نوع دوم با گسترش بیشتر ارزش‌های مادی، عقلانیت را زایل می‌نمود؛ یعنی عقلانیتی ظاهرگرا پدید می‌آورد. با این بیان، تقدم ظاهرگرایی نوع دوم بر ظاهرگرایی نوع اول روشن می‌گردد؛ زیرا زمینه لازم (دوری از عقلانیت و نفی آن) برای حجیت مطلق ظواهر آیات، توسط دنیاگرایی مهیا می‌شد.

۱. به گونه‌ای که اهل عراق در عصر خلیفه سوم، با وجود شناختی که نسبت به فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام و حقانیت ایشان داشتند، اما به سبب غلبه هواهای نفسانی و ارزش‌های باطل، انگیزه‌ای در اقبال ایشان نداشتند (ر.ک: ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۵۸).
۲. شمس‌الدین ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۲؛ علاء‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۹۵.
۳. عبدالله بن عبدالرحمن دارمی، سنن دارمی، ج ۱، ص ۲۵۸-۲۶۷؛ حسن معلمی، تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۳۳-۳۴؛ علی آقائوری، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی فرقه‌گرایی در صدر اسلام، ص ۸۵-۹۱.
۴. محمدبن یزید، سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۱۲؛ نیز، ر.ک: محمدبن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۴۰؛ عبدالرحسین امینی، الغدير، ج ۶، ص ۴۱۲-۴۱۵.
۵. محمدباقر حکیم، علوم قرآنی، ص ۲۸۳-۲۸۸.
۶. محمدحسین ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۲۵۶-۲۶۱؛ علیرضا عقیلی، ریشه‌های ظاهرگرایی در فهم قرآن، ص ۲۵۱ و ۲۶۴.
۷. یوسف غلامی، پس از غروب، ص ۲۹۱-۲۹۴.

به عبارت دیگر، تعلق به ظواهر دنیوی، اندیشه «ظاهرگرا» پدید می‌آورد و نمونه آن در اکتفا به ظواهر متون تجلی پیدا می‌کرد، به گونه‌ای که ارزشمندی فوق‌العاده ظواهر مادی در عصر خلفا، می‌توانست - به علت سنجیت فراوان - در نفی عقلانیت و تکیه بر ظواهر الفاظ، تأثیرگذار باشد.

ظاهرگرایی نوع اول از آن نظر که عقلانیت را در نظر نمی‌گیرد و حکمت تشریحی الهی را زیر سؤال می‌برد، اندیشه‌ای یکسونگر است و از ضعف باور به ربوبیت تشریحی الهی ریشه می‌گیرد. اما آیا اندیشه «ظاهرگرا» به معنای حقانیت استناد به ظواهر متون و بطالان عقلانیت بود؟ یا تنها به علت بی‌ارزشی عقلانیت، پدید می‌آید؟ به نظر می‌رسد که اجبار اصحاب - به‌ویژه عمر - به این نوع ظاهرگرایی به تدریج عقلانیت را از ارزش می‌انداخت. از این رو اندیشه «ظاهرگرا» و لزوم ترک عقلانیت نیز شناختی ارزش‌محور بود.

این مطلب نشان می‌دهد که عامل آن (یعنی ضعف باور نسبت به ربوبیت تشریحی الهی) ماهیت شناختی نداشت. همچنین وجود غلبه ارزش‌های مادی به‌مثابه ریشه این تفکر، گواه تأثیر ضعف باور قلبی نسبت به هدایت تشریحی خداوند در این اندیشه است.

شکل ۲: پیامدهای اندیشه ظاهرگرا



۴-۳-۲. اندیشه «لزوم تبعیت از غیر نبی»

در اثر یکسونگری و با ادامه بی‌اعتنایی به اندیشه‌های رسالت، خواسته‌های متقابل با اراده الهی ارزشمندتر می‌شد و

ضرورت مصلحت‌سنجی، قوت فزون تری می‌یافت. تنها کافی بود خواص اصحاب رفتار و اندیشه خویش را معیار و ملاک خطاب کنند تا سایرین به راحتی، آنها را بپذیرند. ۱ طبیعتاً خالی شدن جامعه مسلمانان از معارف نبوی که در اثر منع حدیث پدید آمده بود، گرایش به سنن اصحاب را افزایش می‌داد.

مدینه بیش از هر جای دیگری، پایگاه این اندیشه بود. ۲ بدین‌روی خلیفه دوم به‌راحتی در این شهر، سیره/ابوبکر را در کنار سنت نبوی قرار داد. حتی شیوه خویش را در تعیین خلیفه، مقابل آن دو مطرح ساخت. ۳ از زمان غضب فدک تا آن هنگام، خلافت صحابه در عرض رسالت تعریف می‌شد، ۴ تا آنجا که خلیفه سوم نیز سنت نبوی را ترک کرده و برای خود، حق تشریح قابل بود. ۵

سخت‌گیری خلفا بر اجرای محتوای اجتهادات خویش تا نیمه اول خلافت عثمان، نشان‌دهنده آگاهی مسلمانان از مخالفت آنها با سیره نبوی بوده است. ۶ اما از آن پس و با ایجاد جو اعتراض گسترده، ۷ از نفوذ خلیفه سوم در میان مردم کاسته شد. اندیشه احیاگر سنت نبوی نیز آزادانه‌تر به فعالیت می‌پرداخت و نیز رفتار خلفای سابق در برابر سایر صحابه قرار می‌گرفت. ۸ مسلماً نفس این رویداد با وجود شناختی راسخ بر مبنای حجیت عمل تمام اصحاب، اتفاق نمی‌افتاد. ۹

از این‌رو تن دادن مردم به سنن اصحاب را باید در بی‌همتی ایشان نسبت به احیای سیره نبوی جست‌وجو کرد؛ یعنی «اندیشه لزوم تبعیت از غیر نبی» نیز شناختی ارزش‌محور بود که به خاطر مصلحت‌سنجی و بر مبنای ارزش‌های باطل و مادی شکل می‌گرفت. ماهیت این اندیشه هدایت تشریحی را از آیین نبوی جدا می‌دانست و آن را در سنن اصحاب قرار می‌داد. این تفکر از ضعف باور نسبت به ربوبیت تشریحی الهی ریشه می‌گرفت و جایگاه تشریح را غیر الهی قلمداد می‌کرد. اما ارزش‌محوری آن نشان می‌دهد که ضعف باور به هدایت تشریحی الهی،

۱. جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۲. رک: ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۶۵۷؛ احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۲؛ حسین محمد جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۹۲.

۳. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۶۰؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۴۱۵-۵۱۶.

۴. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۷۹؛ ج ۵، ص ۲۰؛ سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج ۲، ص ۱۴۸-۱۴۹.

۵. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۷۲.

۶. عمر ذاتاً خشن و تندخو بود (رک: ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۶ ص ۳۲۷)؛ اما خشم خویش را به علت ترس از نافرمانی مردم ظاهر می‌کرد (رک: عبدالله بن مسلم دینوری، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۲؛ ابوسعید الآبی، نثر الدر فی المحاضرات، ج ۲، ص ۲۴).

۷. رک: علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۴۳؛ رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۵۱، با تحقیق در القدر علامه امینی.

۸. سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج ۲، ص ۲۶۲-۲۶۳ و ۳۵۹.

۹. البته به غیر از سنت شیخین؛ زیرا احیای سیره شیخین بهانه چندی از رهبران گروه‌های معترض بود (رک: محمدرضا هدایت‌پناه، بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا، ص ۳۵).

ماهیتی قلبی داشته است، نه شناختی.

۴-۲. به رسمیت شناختن ضد فرهنگها در جامعه

همان گونه که اشاره شد، در شناخت مبتنی بر عقلانیت خودبنیاد یا شناخت عقلانیت‌محور،^۱ عمده جهان‌بینی‌های لازم از قوه عقلانی انسان دریافت می‌شود و سپس ایدئولوژی لازم مطرح می‌گردد. عصر خلفا زمینه‌ساز چنین شناخت‌های انحرافی بود که در زمان حاکمیت امویان شکل می‌گرفت. زمینه‌های اندیشه «تجسیم»،^۲ «تشبیه»،^۳ «عصیان انبیا» و تأویل قرآن^۴ توسط روایات اهل کتاب به‌ظاهر مسلمان رواج می‌یافت.^۵ اما در اثر اندیشه «لزوم ترک فرامین نبوی» و همچنین ظاهرگرایی، میدان برای نفوذ اندیشه‌های انحرافی باز می‌شد.^۶

نیز مجموع شناخت‌های انحرافی ارزش‌محور و رخداد‌های زمینه‌ساز این شناخت‌ها، بینش مسلمانان را نسبت به ربوبیت تشریحی و حکمت خداوند تضعیف می‌کردند. از این رو تصویری از خدای ناقص، محدود و پروردگاری که از هدایت مخلوق بازمی‌ماند، در ذهن‌ها شکل می‌یست. این تصور زمینه‌ساز بسیاری از شناخت‌های انحرافی عقلانیت‌محور، همچون اندیشه «غلو در تکوین»^۷ بود. ساختار فرهنگی این عصر اتصال و وابستگی شریعت نبوی به آیین الهی را انکار می‌کرد و مقدمه‌ساز تفکر «غلو در تشریح»^۸ بود. رگه‌هایی از اندیشه «جبر»، چه در عصر نبوی^۹ و چه در عصر خلفا^{۱۰} در میان برخی از اصحاب وجود داشت، لیکن عمومیت نمی‌یافت. گرایش به امتیازات مادی مقدمه می‌شد تا مسلمانان در آینده، غلبه مادی را نشانه حقانیت انگاشته، خلاف آن را نشانه

-
۱. شناخت مبتنی بر عقلانیت خودبنیاد به معنای عقلانی بودن آن نیست. منظور از این شناخت، ذهنی بودن و ارتباط حداکثری آن با قوه عاقله است، که البته می‌تواند غیرعقلانی نیز باشد.
 ۲. یعنی: باور به شباهت خدا به خلق.
 ۳. یعنی: باور به وجود جسمانی پروردگار.
 ۴. یعنی: تفسیر به رأی، بدون قراین روشن و مستند روایی قوی و برهان قاطع عقلانی.
 ۵. رک: علی بن حسن دمشقی، تبیین الکذب المفتری، ب ۲، ص ۱۰؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۱۷۱.
 ۶. جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۱، ص ۸۱.
 ۷. با اندیشه غلو در تکوین، خلق را دارای ویژگی‌ها و افعال تکوینی خدایی می‌دانند.
 ۸. نخستین فرقه‌های غلات در پی تبیین شریعت خلق (جدای از شریعت خالق) بودند و به این طریق، اباحیگری را رواج می‌دادند (رک: نعمت‌الله صفری فروشانی، غالیان، ص ۱۷۶-۱۷۷).
 ۹. عمر بن خطاب فرار مسلمانان از بیکار حنین را خواست خدا خوانده بود (رک: محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۹۰۴. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۵۵).
 ۱۰. عمر در جریان قتل مالک بن نویره توسط خالد بن ولید، خواستار عزل خالد از فرماندهی سپاه اسلام شده بود. اما خلیفه اول در پاسخ او گفت: من شمشیری را که خداوند برکشیده است، غلاف نمی‌کنم (رک: محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۳، ص ۳۷۹). خلیفه دوم نیز صاحب اندیشه جبر بود و آن را بیان کرده است (رک: احمد بن حنبل، مسنده، ج ۱، ص ۳۹۹-۴۰۰). همچنین او در سخنی که با ابن عباس داشت، اراده رسول خدا ﷺ را در ولایت حضرت علیؓ می‌دید، اما خواست خدا را در انتخاب قریش (رک: سیدمحمدتقی نقوی قاینی خراسانی، مفتاح السعاده، ج ۳، ص ۲۰۰؛ محمدتقی مصباح یزدی، آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، ص ۹۴).

بطالان بدانند.^۱ این تفکر مقدمه‌ساز اندیشه «جبر» بود.^۲ اندیشه مزبور توسط تضعیف باور به حکمت الهی نیز شکل می‌گرفت.^۳ همه این اندیشه‌ها از عصر امویان شکل می‌گرفت و با صبغه کلامی در قالب شناخت‌های انحرافی عقلانیت‌محور ظهور می‌یافت.

اما همان‌گونه که گفته شد، ریشه آنها در باورهای انحرافی ارزش‌محور و رخدادهای تضعیف‌کننده باور قلبی به ربوبیت تشریحی الهی و در غلبه ارزش‌های مادی بود که در عصر خلفا وجود داشت. این عوامل از ضعف باور قلبی نسبت به هدایت تشریحی خداوند ریشه می‌گرفت و تقویت‌کننده آن بود. از این‌رو زمینه شناخت‌های انحرافی عقلانیت‌محور، در دوران خلفا موجود بود و در اثر تضعیف این باور قلبی ایجاد می‌شد.

شکل ۳: زمینه‌سازان شناخت‌های انحرافی عقلانیت‌محور



۱. برای مثال، این مسئله در کلام ابن زیاد، آشکار است (محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۵ ص ۴۵۷-۴۵۸).
۲. مثلاً، در اثر تفکر جبر، حکومت زور را الهی دانسته، سلطه با شمشیر را نشانه حقانیت می‌پنداشتند. تسلط با شمشیر، از مصداق‌های غلبه مادی است.
۳. زیرا الهی بودن حکومت زور با حکمت الهی سازگار نیست و هر که خداوند را حکیم باند، حقانیت چنین حکومتی را نمی‌پذیرد.

زمینه‌سازی شناخت‌های انحرافی عقلانیت‌محور

اندیشه «غلو در تشریح»	اندیشه «غلو در تکوین»	اندیشه «جبر»	تأویل قرآن	اندیشه «عصیان انبیا»	اندیشه «تجسیم»	اندیشه «تشبیه»
-----------------------------	-----------------------------	-----------------	---------------	----------------------------	-------------------	-------------------

نتیجه‌گیری

ضعف باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی، در عصر نبوی وجود داشت. این ضعف سبب غلبه ارزش‌های مادی و شرک‌آلود، بروز رخداد‌های ناقض فرامین نبی اکرم ﷺ و سپس ظهور عادت اجتماعی بر عصیان از فرامین نبوی بود. این باور در عصر خلفا نیز ادامه یافت و گسترش ارزش‌های مادی، تداوم عادت اجتماعی بر عصیان از فرامین نبوی، ظهور شناخت‌های انحرافی ارزش‌محور و زمینه‌سازی شناخت‌های انحرافی عقلانیت‌محور را موجب شد. نتایج بیان‌شده این ضعف اعتقادی، آسیب‌های ساختار فرهنگی عصر خلفا را شکل داد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- نهج البلاغه، تصحیح محمد عساف و فرید سید، تحقیق صادق موسوی، مشهد، موسسه الامام صاحب الزمان (عج)، ۱۴۱۸ق.
- ابراهیمی، صبا، بررسی چگونگی احیای سنن جاهلی عرب در اسلام با تکیه بر قبيله گرای و عصیبت عربی (از رحلت پیامبر اکرم ﷺ تا تأسیس دولت بنی امیه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، کرمانشاه، دانشگاه رازی، ۱۳۹۶.
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷.
- ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۳۸۵ق.
- ابن اعثم الکوفی، ابومحمد احمد، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۱ق.
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد بن سعید، المحلی بالاثار، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، تحقیق محمد رضوان عرقسوسی و دیگران، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۶ق.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- ابن شاذان، فضل بن شاذان، الايضاح، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ق.
- ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، جامع بیان العلم و فضله و ما ینبغی فی روایتہ و حملہ، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الامائل او اجتناب بنواحبها من واردیها و اهلها، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
- _____، تبیین الکذب المقتری، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۴ق.
- ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم، الإمامة و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۰ق.
- _____، عیون الاخبار، چ دوم، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومیه، ۱۹۹۶.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة و النهایة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
- _____، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمدحسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بی جا، دار احیاء الکتب العربیه، بی تا.
- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- أبو سعد الآبی، منصور بن الحسین، نثر الدر فی المحاضرات، تحقیق خالد عبدالغنی محفوظ، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- افتخاری، اصغر، امنیت اجتماعی شده؛ رویکرد اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
- امینی، عبد الحسین، الغدیر فی الکتب و السنه الادب، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
- آفانوری، علی، «زمینه های فرهنگی و اجتماعی فرقه گرای در صدر اسلام»، ۱۳۸۹، هفت آسمان، ش ۴۷، ص ۷۹-۱۰۴.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت، دار طوق النجاه، ۱۴۲۲ق.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، السنن الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، چ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- تاری، جلیل، «عوامل نایده گرفتن غدیر و اجتماع در سقیفه»، ۱۳۸۳، معرفت، ش ۱۷، ص ۲۸-۲۹.
- تقفی کوفی، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.
- جعفری، حسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه محمدتقی آیت اللهی، چ یازدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
- جعفریان، رسول، تاریخ تحول دولت و خلافت از برآمدن اسلام تا برافتادن سفیانیان، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
- _____، تاریخ سیاسی اسلام تا سال چهلم هجری، قم، در راه حق، ۱۳۶۶.
- _____، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، چ ششم، قم، انصاریان، ۱۳۸۱.

چراغی کوتیانی، اسماعیل، «نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در تحولات جمعیتی»، ۱۳۹۳، معرفت فرهنگی/اجتماعی، ش ۱، ص ۵۱-۷۸.

حسکانی، عبدالله بن عبدالله، *سواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمداقبر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.

حکیم، محمداقبر، *علوم قرآنی*، ترجمه محمدعلی لسانی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۸.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، *انسان ۲۵۰ ساله*، چ چهارم، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۰.

دارمی، عبدالله بن عبد الرحمن، *سنن الدارمی*، تحقیق حسین سلیم دارانی، ریاض، دارالمغنی، ۱۴۲۱ق.

ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، *تذکره الحفاظ*، تصحیح زکریا عمیرات، چ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۸ق.

ذهبی، محمدحسین، *التفسیر والمفسرون*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ق.

رهنی، فاطمه و احمد صادقی، «عوامل پنهانی کنش اجتماعی با تأکید بر ساختار اجتماعی»، در: *چهارمین همایش ملی*

مشاوره و سلامت روان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، ۱۳۹۵، <https://civilica.com/doc/621000>.

زرگری نژاد، غلامحسین، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران، سمت، ۱۳۷۸.

زمخشری، محمود بن عمر، *الفائق فی غریب الحدیث والأثر*، تحقیق علی محمد البجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، عیسی

البابی الحلبی و الشركاه، بی تا.

سبحانی، جعفر، *بحوث فی المال والنحل*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.

سلیمانی، جواد، *تاریخ تحلیلی اسلام (از عصر جاهلی تا عصر عاشورا)*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.

شاوی، علی، *با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه*، ترجمه عبدالحسین بینش، چ دوم، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۶.

شرف الدین، سیدعبدالحسین، *اجتهاد در مقابل نص*، ترجمه علی دوانی، چ نهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.

—، *النص والاجتهاد*، بیروت، ابو مجتبی، ۱۴۰۴ق.

شهبازی، محمد، *بررسی علل و زمینه‌های مخالفت صحابه با رسول اکرم ﷺ در عصر نبوی*، قم، حوزه علمیه، ۱۳۹۳.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل والنحل*، تحقیق محمد بدران، قم، شریف الرضی، ۱۳۶۴.

شهیدی، سیدجعفر، *زندگانی فاطمه زهرا*، چ بیست و پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.

صفری فروشانی، نعمت‌الله، *غالیان*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.

صنعانی، عبدالرزاق، *المصنف*، تحقیق حبیب الرحمن الأعظمی، چ دوم، هند، المجلس العلمی، ۱۴۰۳ق.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، مقدمه و باورقی مرتضی مطهری، چ دوم، تهران، صدرا، ۱۳۶۴.

—، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.

طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چ دوم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ق.

عزیزخانی، احمد، «مفهوم کنش و ساختار در نظریه ساختاری شدن (با تأکید بر تحولات ایالات متحده آمریکا)»، ۱۳۸۷، *انسان پژوهی*

دینی، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱۹۵-۲۱۴.

عسگری، سید مرتضی، *معالم المدرستین*، چ چهارم، تهران، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۲ق.

عقیلی، علیرضا، «ریشه‌های ظاهرگرایی در فهم قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۱۲ و ۱۱، ص ۳۵۰-۳۷۳.

غزالی، محمد بن محمد و عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی، *احیاء علوم الدین*، تحقیق سیدابراهیم ابی حفص، قاهره، دار الحدیث،

۱۴۱۹ق.

غلامی، یوسف، *پس از غروب (تحلیل رخدادهای پس از رحلت پیامبر ﷺ تا پایان عصر سومین زمامدار)*، قم، نجم الهدی، ۱۳۸۸.

- فخررازی، محمدبن عمر، *مفاتیح الغیب*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، چ دوم، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۹ق.
- کاشفی، محمدرضا، *خدائشناسی*، قم، معارف، ۱۳۸۶.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *الجمال والنصرة لسید العترة فی حرب البصرة*، تحقیق علی میرشریفی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- متقی هندی، علاءالدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، تصحیح بکری حیانی و صفوه سقا، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۹ق.
- مریجی، شمس الله، *عائسورا پیامد تغییر ارزش ها*، قم، معارف، ۱۳۹۴.
- مسعودی، علی بن الحسین، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، چ دوم، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق.
- مصباح یزدی، محمد تقی، *آدرخشنی دیگر از آسمان کربلا*، چ دهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
- _____، *آموزش عقاید*، چ هفدهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- _____، *حقوق و سیاست در قرآن*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
- _____، *معارف قرآن*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
- معلمی، حسن و دیگران، *تاریخ فلسفه اسلامی*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- نقوی قاینی خراسانی، سیدمحمدتقی، *مفتاح السعادة فی شرح نهج البلاغه*، تهران، مکتبه المصطفوی، بی تا.
- میرمحمدی، سیدضیاءالدین، «چیستی، اعتبار و کاربرست نظریه دینی در علم تاریخ»، ۱۳۹۷، *اندیشه نوین دینی*، ش ۵۴، ص ۸۷-۱۰۶.
- موسوی نژاد، سیدمحمد مهدی و جواد سلیمانی امیری، «راهکار سنجش باورهای توحیدی قلبی براساس اندیشه علامه طباطبائی و آیت الله مصباح یزدی»، ۱۴۰۲، *معرفت اخلاقی*، ش ۲، ص ۲۷-۴۰.
- نوری، نجیب الله، «عوامل و ساختار انگیزش رفتار انسان در اندیشه علامه طباطبائی»، ۱۳۹۶، *روانشناسی و دین*، ش ۴۰، ص ۵-۲۲.
- واقدی، محمدبن عمر، *کتاب الردة مع نبذة من فتوح العراق و ذکر المثنی بن حارثة الشیبانی*، تصحیح محمدبن اعثم کوفی، تحقیق یحیی وهیب الجبوری، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- _____، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، چ سوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹ق.
- هدایت پناه، محمدرضا، *بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
- یعقوبی، احمدبن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.